



حوزه خواهران؛

«ارتقای علمی» و «تخصص‌گرایی»

● یادداشتی از دکتر زهره رنجبر،

نویا بودن حوزه علمیه خواهران، با توجه به چند دهه فعالیت علمی - نهادی آن، و برای روزآمدی و ارتقای علمی فراخور جامعه، همیشه نکاتی ارشادی در تراز بالا از دل سوزان این نهاد علمی در خود نهفته داشته و دارد، که شایسته است برای ارتقای کیفیت تحصیل و نتیجه‌بخشی قابل قبول، از لابه‌لای گفت‌و شنودها و گاهی نظریاتی در رسانه‌های جمعی آن نهاد علمی شنیده و عملیاتی شود.



زهره رنجبر*

در این چند دهه، شاهد فعالیت‌های چشم‌گیر حوزه خواهران در تربیت طلاب خواهر و ارتقای علمی آنان در پاسخ‌گویی به نیازهای مرتبط با جامعه زنان بودیم. اما توقعی که از این قشر تأثیرگذار در سطح کلان می‌رفت اتفاق نیفتاد، در حالی که می‌توانست هم‌سان با حوزه برادران در ارتقای کیفی علمی و واقعیت‌سنجی جامعه‌گام مؤثرتری برآورد. واقعیت علمی این نهاد حوزوی را نباید کتمان کرد و بسته‌نگه‌داشت، چراکه نگاه به داشته‌های گذشته و تکیه به برنامه‌ها و الگوهای حال یک نوع درج‌زدگی و بایکوت راهبردی است، که افق‌های پیش‌رفت را و تخصصی‌انگاره را ایستا می‌کند. از این رو، شایسته است متولیان ستادی حوزه خواهران برای ارتقای علمی کلان و جهت‌دهی تخصصی رشته‌ها، به گونه‌ای سامان دهند که بیش‌ازپیش حضور عالمانه و فعالانه این قشر بسیار تأثیرگذار را در جامعه شاید باشیم. در این باره یادداشت زهره رنجبر، معاون پژوهشی حوزه علمیه خواهران فراروی شماست.

در تربیت انسان دارند، باید با دانش آموزی دینی‌ای که سبک زندگی و تربیتی را به خوبی می‌شناساند آشنا باشند. افزون بر این که جامعه انسانی در کنار نیاز به دانش، نیازمند بانوانی با دانش علوم تجربی و انسانی است که اهل تفقه در دین و فهم عمیق از باورهای دینی باشند، که حوزه‌های علمیه خواهران به درستی بستری برای تحقق این مهم می‌باشد. گفتنی است فقه پویا و روزآمد

که بتواند نیازهای کلان پاسخ‌گوی مطالبات به روز جامعه اسلامی باشد، جز با بهره‌وری از توان فکری و اجتهادی بانوان فرهیخته و حضور عالمانه آن‌ها دست نیافتنی است.

● حوزه خواهران و گام‌های مقدماتی در جهت ارتقای سطح دانش

برای ارتقا و کیفیت تخصصی و هم‌چنین پیش‌رفت علمی خواهران اهتمام مسئولان مربوط در این باره فراگیر بوده است، افزون بر تخصصی نمودن گرایش‌ها عمدتاً در مقاطع سطح ۳ به بالا، بازنگری جزئی در متون درسی و اشراف برخی آموزه‌های پژوهشی و فرهنگی با متون آموزشی ایجاد فرصت‌های پژوهشی، از اقدامات شایسته در این عرصه است. اما به دلیل حاکمیت سیستم و روش سنتی طبیعتاً رویکردها و مدل آموزشی هم سنتی است و پاسخ‌گوی نیازها نمی‌باشد. این

● آموزش حوزوی خواهران و فلسفه شکل‌گیری

بانوان به عنوان حداقل نیمی از جمعیت جامعه بشری همواره تاریخ‌ساز بوده‌اند و در شکل‌گیری جریان‌های تاریخی به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش‌آفرینی می‌کنند. زن با رسالت پرورش فرزند، اولین آموزگاری است که بشر تجربه می‌کند، که لازمه تربیت و باورهای اعتقادی و درونی نخستین آموزگار، در

شکل‌گیری جامعه انسانی بسیار مؤثر است در گذشته نه‌چندان دور به حکم جهالت، زن در عرصه علم و دانش محکوم به انزوا بوده، به‌گونه‌ای که این انزوا که در قالب سنت‌ها و آداب اجتماعی و گاهی با پوشش‌های دینی به جامعه تزریق می‌شد، که با رسالت انسان‌سازی زن در تضاد است.

جمهوری اسلامی ایران، با درک این مهم و پیرو ضرورت تربیت دینی جامعه و مبارزه عملی با خرافه پستونشینی زن، نهضت آموزشی - حوزوی خواهران که با آموزه‌های اسلامی همخوانی داشته باشد را تأسیس کرد. جامعه‌ای که زنان آن، جامه فرهیختگی برتن کنند و با کتاب و علم مأنوس شوند، نسل فرهیخته و سالم تربیت می‌شود و خرافات و کج‌اندیشی رنگ می‌بازد. به عبارتی دیگر، بانوانی که در مقام مادر و همسر نقش کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، با درک این مهم و پیرو ضرورت تربیت دینی جامعه و مبارزه عملی با خرافه پستونشینی زن، نهضت آموزشی - حوزوی خواهران که با آموزه‌های اسلامی همخوانی داشته باشد را تأسیس کرد. جامعه‌ای که زنان آن، جامه فرهیختگی برتن کنند و با کتاب و علم مأنوس شوند، نسل فرهیخته و سالم تربیت می‌شود و خرافات و کج‌اندیشی رنگ می‌بازد.

عملی اهداف آموزشی در معنای جامع فرهنگی دانشی و پژوهشی قابل بررسی است: در حال حاضر به نظر می‌رسد، گاهی اهداف کمی - که آن نیز توجیحات و دلایل خاص خود را دارد - بر کیفیت و هدف اصلی آموزش سایه انداخته است. وقتی شما در بدو ورود و در مرحله پذیرش به هر مصلحتی از معیارهای به‌گزینی عدول نمایید، این امر در همه مراحل بعدی تحصیلی و در نهایت در دستاوردهای تحصیلی حوزه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. تحفظ بر معیارهای دقیق و علمی به‌گزینی حتی به قیمت تعطیلی موقت برخی مدارس علمیه ضروری است.

وقتی حرف از تحول می‌زنیم لزوماً به معنای بنیان برافکنی و تهدید چهارچوب‌ها نیست، بلکه عمدتاً منظور نوکردن ابزار نیل به هدف است و در مواردی هم نوسازی متون با توجه به تولید مباحث جدید است که در بحث متون درسی با توجه به تحولات سریع علمی و سرعت چشم‌گیر تکنولوژی لازم است فنون و علوم روز در برنامه درسی طلاب گنجانده شود.

در طول تحصیل نیز دو مسئله متون درسی و متد و روش آموزش از جمله محورهایی است که نیاز جدی به تحول دارد. وقتی حرف از تحول می‌زنیم لزوماً به معنای بنیان برافکنی و تهدید چهارچوب‌ها نیست، بلکه عمدتاً منظور نوکردن ابزار نیل به هدف است و در مواردی هم نوسازی متون با توجه به تولید مباحث جدید است که در بحث متون درسی با توجه به تحولات سریع علمی و سرعت چشم‌گیر تکنولوژی لازم است فنون و علوم روز در برنامه درسی طلاب گنجانده شود. نیازهای جامعه و خلأهای جامعه با توجه به دغدغه‌های فعلی

روش جدای از مزیت‌ها و ارزشمندی منحصر به فرد خود، ضعف‌هایی را در پی دارد و لذا این سیستم نیازمند نوگرایی و بهره‌مندی از روش‌ها و برنامه‌های کاربردی جدید نیز هست، که یکی از بنیادی‌ترین راهکارها، اصلاح زیرساخت‌های آموزشی است. بازنگرایی در متون آموزشی و درسی در سه حوزه، به نظر ضروری می‌رسد، که در این فرصت به اجمال به بعضی اشاره می‌کنم:

۱. تعدیل کمی: دروس پایه و یا سطوح به گونه‌ای باشد که یک طلبه خواهر بتواند در یک مقطع آموزشی قابل قبول از پس آن برآید

۲. توانمندسازی اساتید:

در این مرحله اساتید سطوح گوناگون به گونه‌ای مهارت و تجربه کسب کرده باشند که در فرایند تدریس ذهن طلبه را با چالش‌ها و مسئله‌ها مواجه کنند و به عبارتی تدریس اساتید، کاربردی با رویکرد حل مسئله باشد؛

۳. تغییر راهکار ارزشیابی: در این باره لازم است، با اختصاص دادن سهم قابل توجهی از باردهی نمرات به

فهم و واکاوی خود فراگیر از طریق مطالعات هدفمند و تفکر پیرامون موضوع باشد.

● بایسته‌های آموزش حوزوی خواهران

این مسئله در سه محور پذیرش، طول تحصیل، مرحله دانش‌آموختگی و تحقق

مسؤلان امر باید پیرو بازخوانی در اهداف مقاطع مختلف تحصیلی حوزه خواهران، برنامه منسجمی از بدو ورود تا انتهای هر مقطع در راستای اهداف تعریف شده، ارایه دهند تا بازخوردهای میدانی را هدف گذاری کرده و طبق پذیرش جامعه اقدام کاربردی صورت گیرد.

● ضرورت اصلاح سیستم آموزشی

بازنگری در سیستم آموزشی نیز لازم و بایسته است، وقتی فراگیر در طول پنج سال

بیانات رهبر در بیانیه گام دوم بهره می‌بریم، که اشاره دارند: "این راه طی شده با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است." چرا که مطلوبیت در تربیت بانوانی است جامع‌نگر در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، که هم مربی باشند و هم متربی، رسالت بانوی حوزوی طی مسیر کمال انسانی است تا بدین وسیله تشعشعات و نورانیت رفتار و کردارش در همه ابعاد زندگی به جامعه اطرافش روشنایی ببخشد و این امر میسر نمی‌شود مگر از راه تقویت عقلانیت و تحلیل‌هایی استوار بردانش و آگاهی از یک سو و نهادینه شدن اخلاق و عمل صالح از سوی دیگر.

۱۹۰ واحد درسی را می‌گذرانند، آیا فرصتی برای تفکر، پژوهش، حل مسئله و حتی درک مسئله برایشان باقی می‌ماند؟ قطعاً جواب منفی است، چرا که پژوهش مسئله‌ای است

جامعه احصا و حتی پیش‌بینی شود و متون درسی بر اساس پاسخ علمی اندیشمندان و کارا و عملی به آن‌ها تدوین و ارایه شود. اهداف اصلی و فرعی دروس بر این اساس تعریف شود. حوزه باید پیشگام در عرصه‌های مختلف باشد نه صرفاً واکنشی تأخیری به مسایل جامعه زنان داشته باشد.

● پژوهش‌های میدانی به مثابه خلأ

خلأ تحقیقات و پژوهش‌های میدانی در آموزش حوزوی خواهران نیز جدی است. رسالت امروز خواهران طلبه، از متن جامعه و دغدغه‌های واقعی موجود در آن برمی‌خیزد. درمان درد متوقف به شناخت درد است، در این راستا تبلیغ، هنر سخنوری نیست، بلکه شناخت خلأهای جامعه و یافتن و ارایه پاسخ مطلوب به آن است و این امر محقق نمی‌شود مگر این‌که خواهران حوزوی در متن جامعه و بافت عمومی زنان اجتماع حضور دغدغه‌مند و نه قضاوت‌گر و طرد کننده داشته باشند و این مسئله متوقف بر سلامت روان، نوع دوستی، مهرورزی و سپس آموزش مهارت‌های ارتباطی یک طلبه است.

● جنسیت و آموزش حوزوی

محوریت نیازهای جامعه هدف، یعنی بانوان و هدف‌گذاری هر مقطع و ابتدای محتوای درسی پیرو آن (اقتضای جنسیت) از دیگر خلأهای دانش‌های حوزوی، در عصر حاضر است. وقتی مقصد و انتها به درستی تبیین شده باشد برنامه‌ریزی و مسیرسازی نیز صحیح‌تر اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد

رفتار و کردارش در همه ابعاد زندگی به جامعه اطرافش روشنایی ببخشد و این امر میسر نمی‌شود مگر از راه تقویت عقلانیت و تحلیل‌هایی استوار بر دانش و آگاهی از یک سو و نهادینه شدن اخلاق و عمل صالح از سوی دیگر. لازمه این تجهیز، ایجاد بستری است برای مواجهه با چالش‌ها، شخم‌زدن داده‌ها و کشف کنوز چه بسا پنهان در حوزه علوم دینی از طریق حضور دغدغه‌مند در متن جامعه و کشف نیازها و خلأهاست و به طور طبیعی تا رسیدن به چنان آرمانی فاصله داریم؛ فاصله‌ای که البته امکان‌ها و قابلیت‌های فراوانی برای طی شدن دارد.

● حرکت در افق بیانیه گام دوم

اگر تغییرات پیش‌گفته و تحول عمیق و انقلابی در سیستم آموزشی اتفاق بیفتد می‌توانیم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ساختار فرهنگی و علمی جامعه بروز و ظهور داشته باشیم و از زنان به عنوان "ظرفیت امیدبخش نیروی انسانی" در انسان‌سازی و تحقق بهداشت روانی جامعه، حل مسائل زنان مطابق اصول دینی و تحقق عدالت واقعی و نه شعاری، بهره‌مندی شایسته‌ای داشته باشیم، و این آن چیزی که اهداف حوزه خواهران بدان دیده شده است.

* معاون پژوهشی حوزه علمیه خواهران.

در دل آموزش، آموزش صحیح نیز زایش پژوهش می‌کند و به طور عملی تولید فرهنگ می‌کند. این‌ها مقوله‌هایی کاملاً درهم‌تنیده هستند که از ویژگی‌های علوم حوزوی است. مقوله فرهنگ در حوزه آموزش اصلاً قابل تفکیک نیست. اگر آموزش در هر بعدی دچار اختلال شود به مقوله پژوهش و فرهنگ هم نباید امیدی داشت، چراکه اگر این‌ها را از هم جدا دیدید، یعنی آفت و ناکامی در تحقق اهداف و افق‌های پیش‌رفت. به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی وقت آن رسیده که نگاه کاربردی‌تری به مقوله آموزش در حوزه خواهران داشته باشیم و دست به یک انقلاب در سیستم آموزشی بزنیم با تحفظ بر چارچوب‌ها و اصالت‌های محتوا.

● میزان توفیق در تحقق اهداف

در یک نگاه ایدئالی و کمال‌گرایانه تا تحقق آرمان‌ها و اهداف، فاصله بسیار است. این‌جا از بیانات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بهره می‌بریم، که اشاره دارند: "این راه طی شده با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است." چرا که مطلوبیت در تربیت بانوانی است جامع‌نگر در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی که هم مربی باشند و هم متربی، رسالت بانوی حوزوی طی مسیر کمال انسانی است تا بدین وسیله تشعشعات و نورانیت